

ایران در دوره حکومت رضاشاه

در سوم اسفند ۱۲۹۹ کودتایی در تهران به وقوع پیوست که پیامد آن زوال سلسله قاجار و برآمدن حکومت پهلوی بود. در این درس، شما با بررسی شواهد و مدارک تاریخی، زمینه‌ها و علل رویدادهایی را که منجر به شکل‌گیری حکومت پهلوی شد و نیز تحولات مهم سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران را در دوران زمامداری رضاشاه (پهلوی اول) تجزیه و تحلیل خواهید کرد.

فعالیت ۱

پس از همفکری و مرور آموخته‌های قبلی، دربارهٔ شیوه یا شیوه‌های معمول به قدرت رسیدن خاندان‌ها و سلسله‌ها در تاریخ ایران بحث و گفت‌وگو کنید.

کودتای سیاه



سیدضیاءالدین طباطبایی (۱۲۶۸-۱۳۴۸ ش)

دولت انگلستان برای دستیابی به اهداف خود، در صدد تغییر حکومت ایران برآمد؛ به این منظور، برنامهٔ کودتا طرح‌ریزی و اجرای آن به سفارت انگلیس و نیروهای انگلیسی مستقر در ایران واگذار شد. آبرون سایید^۱، فرمانده نظامی نیروهای انگلیسی در ایران، به جست‌وجو در میان نیروهای قزاق پرداخت و به کمک سیدضیاءالدین طباطبایی^۲ که از سیاستمداران وابسته به انگلستان بود، یکی از فرماندهان نظامی به نام رضاخان را برای این منظور، مناسب تشخیص داد.

آبرون سایید در قزوین با رضاخان ملاقات کرد و با توجه به اطلاعاتی که سیدضیاءالدین دربارهٔ او جمع‌آوری کرده بود، توانست وی را با اهداف خود هماهنگ کند.

آبرون سایید بعد از آماده کردن رضاخان برای انجام کودتا، به تهران آمد و به احمد شاه چنین القا کرد که حرکت نظامی رضاخان

۱- Ironside

۲- مدیر روزنامهٔ رعد و مدافع قرارداد ۱۹۱۹



احمد شاه قاجار به همراه رضاخان و رجال درباری

به سوی تهران، برای حفظ کشور و سلطنت ضروری است. با آماده شدن شرایط، قوای قزاق در بامداد روز سوم اسفند ۱۲۹۹ وارد تهران شدند و بی آنکه با مقاومت جدی روبه‌رو شوند، نقاط حساس پایتخت را تسخیر کردند. در پی این حادثه، شاه تحت فشار انگلیسی‌ها به ناچار سیدضیاء‌الدین طباطبایی را به نخست‌وزیری منصوب کرد. رضاخان نیز که مهره نظامی کودتا بود، به عنوان فرمانده ارتش، لقب «سردار سپه» گرفت. به فاصله کوتاهی، سیدضیاء (مهره سیاسی کودتا) استعفا کرد و به اروپا رفت؛ اما رضاخان (مهره نظامی کودتا) در مقام وزیر جنگ روزبه‌روز بر قدرت و نفوذ خود افزود.

بیشتر بدانیم

میرزا کوچک خان و نهضت جنگل



نهضت جنگل قیام مردمی بود که در یکی از حساس‌ترین دوره‌های تاریخی کشور ما، شکل گرفت. این نهضت از جنگل‌های گیلان آغاز شد و سپس، روستاها و شهرهای این استان را دربر گرفت و هفت سال ادامه یافت.^۱ رهبر نهضت جنگل، میرزا کوچک خان، طلبه آزادمنش و انقلابی و فردی مؤدب، متواضع، خوش‌برخورد و پای‌بند به اجرای دستورات دینی بود. او از همان ابتدای جوانی دارای صفات عالی و ممتاز بود و در میان همسالان خود شاگردی با استعداد، بی‌پروا و طرفدار عدل و حامی مظلومان به‌شمار می‌رفت؛ آن‌چنان که هرگاه کسی به دیگری ستم می‌کرد، مشت میرزا را بالای سر خود می‌دید. میرزا کوچک خان ورزش را دوست می‌داشت و هر روز ورزش می‌کرد. او مردی متفکر و آرام بود؛ زیاد حرف نمی‌زد و آهسته و سنجیده سخن می‌گفت و صحبت‌هایش اغلب با لطفه و مزاح همراه بود. دارای جذبه‌ای خاص بود و به ندرت اتفاق می‌افتاد که مخاطبش مجذوب متانت و بیان او نشود.

میرزا یک مرد مذهبی تمام عیار بود و هیچ‌گاه واجباتش را ترک نمی‌کرد. او به اشعار فردوسی علاقه خاصی داشت؛ به طوری که در مرکز فرماندهی خود در جنگل، جلسات منظمی برای خواندن شاهنامه ترتیب داده بود.

میرزا در آستانه انقلاب مشروطیت، زمانی که بسیار جوان بود، در رشت دست به حرکت‌های انقلابی زد؛ در حرکت مشروطه‌خواهان شمال برای سرنگونی محمدعلی شاه، دلاوری‌های بسیاری از خود نشان داد و همراه با مشروطه‌خواهان به تهران رفت. او در جریان جنگ جهانی اول و اشغال ایران توسط روس و انگلیس، به فکر برپا کردن یک نهضت مسلحانه افتاد. اهداف او و یارانش در برپایی این نهضت عبارت بودند از: اخراج نیروهای بیگانه، رفع ناامنی و بی‌عدالتی و برقراری امنیت، مبارزه با خودکامگی و استبداد.

قیام جنگل در مقابله با متجاوزان و دولت‌های بی‌کفایتی که در تهران بر سر کار می‌آمدند، در طول هفت سال فراز و نشیب‌های بسیاری را پشت سر گذاشت. این قیام، سرانجام به دنبال خیانت دولت شوروی، بروز اختلاف در میان سران نهضت جنگل و حمله نیروهای دولتی به فرماندهی رضاخان، سرکوب شد اما نام میرزا و مقاومت‌های مردانه‌اش در برابر ستم و تجاوز، در خاطر مردم ایران زنده و جاوید ماند و الگویی برای مبارزان بعدی شد.

۱- از خرداد ۱۲۹۳ تا مهر ۱۳۰۰

رضاخان از نخست‌وزیری تا پادشاهی

رضاخان در سمت وزارت جنگ از سال ۱۳۰۰ تا ۱۳۰۲ ش، با دسیسه چینی و حمایت انگلستان، موقعیت خود را تثبیت کرد. سرانجام، شاه قاجار و مجلس به ناچار به نخست‌وزیری او رضایت دادند. احمد شاه بلافاصله به سفر اروپا رفت^۱ و رضاخان با استفاده از این فرصت، اوضاع و شرایط داخلی را برای برداشتن قدم نهایی - یعنی رسیدن به سلطنت - آماده کرد. او برای رسیدن به اهدافش، ابتدا پیشنهاد کرد به جای حکومت سلطنتی، نظام «جمهوری» در کشور برقرار شود اما کسانی نظیر آیت‌الله مدرس، با شناختی که از رضاخان داشتند، این کار را ابزاری برای رسیدن او به قدرت می‌دانستند و با آن به مخالفت پرداختند و مردم را به حرکت بر ضد این پیشنهاد تشویق کردند؛ به طوری که رضاخان، سرانجام حرف خود را پس گرفت. اما برای رسیدن به تاج و تخت سلطنت، دست از تکاپو برداشت.

رضاخان در غیاب شاه که در اروپا به سر می‌برد، روز به روز موقعیت خود را بیشتر تحکیم می‌کرد و در عین حال، می‌کوشید تا با تبلیغاتی گسترده علیه احمدشاه، او را نسبت به سرنوشت مملکت بی‌اعتنا نشان دهد. احمد شاه پس از مدتی، تصمیم به بازگشت به ایران و حفظ سلطنت گرفت. انگلیسی‌ها وقتی که از تصمیم شاه برای عزیمت به ایران مطلع شدند، نزد او رفتند و ضمن مبالغه‌گویی در اوضاع آشفته ایران، صلاح او را در این دانستند که مدتی از رفتن به ایران چشم‌پوشد تا رضاخان بتواند امنیت لازم را برای حضورش در کشور فراهم آورد.

هرچه توقف شاه در اروپا بیشتر طول می‌کشید، تبلیغات طرفداران رضاخان مبنی بر اینکه شاه علاقه‌ای به سرنوشت ایران ندارد، بیشتر می‌شد و مردم نیز کم و بیش این نکته را باور می‌کردند. پس از سرکوبی شورش خزعل و بعضی شورش‌های پراکنده دیگر، با توجه به امنیتی که رضاخان به وجود آورده بود، محبوبیت او افزایش یافت؛ در همین حال، در اثر تبلیغات طرفداران رضاخان، بدبینی مردم نسبت به احمد شاه و گرایش به رضاخان نیز بیشتر شد.

بیشتر بدانیم

شیخ خزعل

شیخ خزعل رئیس قبیلهٔ مُحیسن شاخه‌ای از قبیلهٔ بنی کعب ساکن در خوزستان و با نفوذترین فرد در آن منطقه بود؛ به طوری که همهٔ مسئولان ادارات، با وجود او هیچ اختیاری نداشتند. شیخ خزعل با انگلیسی‌ها ارتباط داشت و انگلیسی‌ها از نفوذ و قدرت او برای ایجاد امنیت در خوزستان استفاده می‌کردند؛ زیرا آنان برای استخراج نفت در این منطقه، با وجود عشایر مختلف عرب و غیرعرب، به قدرتی محلی که امنیت را برایشان برقرار سازد نیازمند بودند. با ظهور رضاخان و قدرت‌گیری او، بر شیخ خزعل مسلم بود که او دیر یا زود با رضاخان درگیری خواهد داشت. عاقبت نیز چنین شد. انگلیسی‌ها شیخ خزعل را فدای رضاخان کردند تا او را در میان مردم قهرمان جلوه دهند. سرانجام، شیخ خزعل به دستور رضاشاه به تهران فراخوانده شد و خود و پسرش مخفیانه به قتل رسیدند.

۱- انگلیسی‌ها و رضاخان چنین تبلیغ می‌کردند که وضع کشور بسیار آشفته است؛ بنابراین، به شاه پیشنهاد می‌کردند که مدتی به خارج از کشور برود و پس از برقراری امنیت، بازگردد. از سوی دیگر، آنها خروج شاه را نشانه بی‌علاقگی او به کشور اعلام می‌کردند.

بحث و گفت‌وگو کنید

– با توجه به آنچه در درس‌های قبل آموختید، درباره تأثیر شرایط اجتماعی بر به قدرت رسیدن رضاخان گفت‌وگو کنید.

به سلطنت رسیدن رضاخان

پس از آنکه عمّال انگلیس اذهان عموم مردم را به سود رضاخان آماده کردند، سرانجام در سال ۱۳۰۴ ش، ماده واحده‌ای به صورت طرح در مجلس شورای ملی مطرح شد که در آن، خلع قاجاریه از سلطنت و سپردن حکومت موقت به رضاخان خواسته شده بود. در این ماده واحده، پیش‌بینی شده بود که پس از خلع قاجاریه، مجلس مؤسسان برای تغییر چند ماده از قانون اساسی تشکیل خواهد شد و تکلیف قطعی سلطنت را تعیین خواهد کرد. جز چهار تن از نمایندگان مجلس – از جمله آیت‌الله مدرس و دکتر مصدق – سایر نمایندگان به این طرح رأی مثبت دادند.^۱

با حمایت همه‌جانبه‌ای که از سوی دولت‌های بزرگ خارجی به عمل آمد، انتخابات مجلس فرمایشی مؤسسان برگزار شد. در آذر سال ۱۳۰۴ مجلس مؤسسان با نطق رضاخان افتتاح شد و پس از شش روز بحث و گفت‌وگو، رضاخان را به پادشاهی ایران انتخاب و سلطنت را در خانواده او موروثی اعلام کرد.

ماهیت برخی از اصلاحات و اقدامات رضاشاه

آغاز سلطنت پهلوی، در واقع فصل جدیدی از تاریخ ایران است که همزمان با آن، دوره نوینی از غارت کشور ما به دست بیگانگان آغاز می‌شود که به «استعمار نو» شهرت دارد.

رضاشاه پس از رسیدن به سلطنت، در زمینه‌های داخلی و خارجی به اقداماتی دست زد. این اقدامات عبارت بودند از :

۱- بازگشت به حکومت استبدادی

وی از همان ابتدای کار، به حذف شخصیت‌های آزادی‌خواه، مستقل و مخالف با نفوذ بیگانگان اقدام کرد و شیوه حکومت استبدادی و رأی فردی را پیش گرفت. او به مجلس قانون‌گذاری و قانون‌اهمیت نمی‌داد و تصمیمات فردی خود را به اجرا درمی‌آورد.

۲- ایجاد ارتش منظم

به وجود آوردن ارتش منظم در ایران از جمله برنامه‌های اساسی انگلیسی‌ها بود. این ارتش ضمن اینکه تمرکز قدرت سیاسی را در کشور ممکن می‌ساخت، قیام‌های مردمی را سرکوب می‌کرد و در مواقع ضروری، به عنوان تأمین‌کننده اهداف نظامی انگلستان مورد استفاده قرار می‌گرفت. رضاشاه نیروهای سه‌گانه ارتش را با هدایت انگلیسی‌ها به وجود آورد. به نو کردن ارتش پرداخت و در سال ۱۳۰۴ ش، قانون نظام وظیفه عمومی را به تصویب رساند.

۱- دو تن دیگر عبارت بودند از: یحیی دولت‌آبادی و سیدحسین تقی‌زاده.

۳- احداث خط آهن سراسری

از جمله اقدامات رضاشاه، احداث راه آهنی بود که بندر ترکمن را به بندر شاهپور متصل می کرد. احداث این راه با تبلیغات فراوان انجام گرفت و در واقع، هدف آن ایجاد راهی سراسری برای انتقال سریع نیروهای انگلیسی از جنوب به شمال بود. در صورت پیشروی روس ها، انگلیسی ها با استفاده از این راه می توانستند نیروهای خود را به سرعت به شمال بفرستند و مانع نفوذ آنها به هندوستان شوند. در جنگ جهانی دوم همین راه به مهم ترین عامل ارتباطی نیروهای متفقین مبدل شد.

۴- اسکان عشایر

از دیگر اقدامات رضاشاه، اسکان اجباری عشایر بود. هدف آن، مهار کردن نیروی رزمی عشایر بود. این اقدام، از رونق دامداری کشور کاست و باعث شد که کشور ما از نظر دامی به بیگانه نیازمند شود.

۵- یک شکل کردن لباس ها و کشف حجاب

رضاشاه به نام تمدن و تجدد و مبارزه با کهنه پرستی، به یک شکل کردن لباس ها و نیز برداشتن حجاب بانوان اقدام کرد؛ اما مردم مسلمان ایران در برابر این اقدامات دست به مقاومت زدند که از آن جمله باید از قیام مردم مسلمان مشهد در مسجد گوهرشاد نام برد که در جریان آن، عده زیادی کشته و مجروح شدند.



رضاشاه دانش آموزان را هم به استفاده از کلاه پهلوی مجبور کرد.

رضاشاه که تصور می کرد مهم ترین راه پیشرفت و توسعه کشور تقلید از غرب و اشاعه فرهنگ غربی است، پس از مسافرت به ترکیه و آشنایی با آتاتورک، رئیس جمهور آن کشور، به تقلید از او به مبارزه با همه سنت های اسلامی پرداخت. او در این راه حتی مأموران مخصوص در کوچه و خیابان شهر گماشت که وظیفه داشتند به زور چادر را از سر زنان بکشند. رضاشاه برای تضعیف

روحانیت، دستور داد که روحانیون نیز لباس‌های مخصوص خود را کنار بگذارند. به دستور وی، دفترخانه‌های شرعی تعطیل شدند و دخالت روحانیون در مسائل اجتماعی اکیداً ممنوع اعلام شد. عزاداری سیدالشهدا قدغن شد و از انجام پذیرفتن بسیاری از آداب مذهبی به شدت جلوگیری به عمل آمد.



رضاشاه و آتانورک

بیشتر بدانیم

حتی یک رأی!

معروف است که شهید مدرس در انتخابات مجلس هفتم، از جمله داوطلبان نمایندگی مردم تهران بود. پس از انجام انتخابات، اعلام شد که او حتی یک رأی هم نیاورده است. مدرس در این باره گفته بود: «به فرض که هیچ کس به من رأی نداده است؛ پس آن یک رأی که من به خودم داده بودم چه شد؟»

شهادت مدرس

مدرس، روحانی مبارز و خستگی‌ناپذیری که آرزویش نجات ایران از چنگال استبداد و استعمار بود، در دوران نخست‌وزیری رضاخان و پس از به سلطنت رسیدن او، یگانه دشمن سرسخت و جدی وی به‌شمار می‌رفت. وجود مدرس در تهران خطری جدی برای ادامه حکومت رضاشاه به حساب می‌آمد. از سوی دیگر، رضاشاه می‌دانست که نمی‌تواند مدرس را مانند دیگر مخالفان، بدون توجه به عکس‌العمل مردم به راحتی از بین ببرد؛ از این رو، درصدد برآمد که ابتدا او را تبعید کند و پس از آنکه قدرت خویش را تثبیت کرد، به قتل وی اقدام کند؛ به این ترتیب، در مهرماه ۱۳۰۷ مأموران شهربانی به منزل این

روحانی والامقام هجوم بردند و او را به خوفاً تبعید کردند^۱. مدرس سال‌ها در خوفاً زندانی بود. سرانجام پس از فراهم شدن زمینه، وی را از خوفاً به کاشمر بردند و پس از مدت کوتاهی، در ۱۰ آذر ۱۳۱۶ او را در همان‌جا مسموم کردند و به شهادت رساندند.

رضاشاه و سیاست گرایش به آلمان

همزمان با آغاز سلطنت رضاشاه، انگلیسی‌ها تصمیم گرفتند با تقویت کشور آلمان که همچنان گرفتار مصائب جنگ جهانی اول بود، کمی از مشکلات اقتصادی کشور یاد شده بکاهند و با این همکاری، مانع از افتادن آلمانی‌ها به دام کمونیسم شوند. از نظر انگلیسی‌ها، در آن شرایط، بهترین راه مساعدت به آلمان این بود که سیاستمداران انگلیسی به رؤسای کشورهای تحت سلطه خویش دستور دهند تا امکان فعالیت‌های تجاری و صنعتی آلمان را در این کشورها فراهم سازند؛ به همین دلیل، رضاشاه درهای کشور ایران را به روی سرمایه‌های آلمانی گشود.

پرسش‌های نمونه

- ۱- با توجه به آنچه در درس‌های قبل آموخته‌اید بیان کنید که به نظر شما شرایط اجتماعی به قدرت‌گیری رضاخان کمک کرد یا برعکس؟ چرا؟
- ۲- رضاشاه برای حذف احمدشاه از صحنه سیاسی ایران چه کرد؟
- ۳- مجلس مؤسسان تکلیف قطعی سلطنت قاجار را چگونه مشخص کرد؟
- ۴- اقدامات فرهنگی رضاشاه و پیامد آنها را توضیح دهید.
- ۵- توضیح دهید چرا رضا شاه سیاست گرایش به آلمان را پیش گرفت.

۱- شهربانی خوفاً ماهانه مبلغ ۱۵۰ ریال برای ایشان تعیین کرده بود؛ چند سال بعد، مدرس از همان بول در گوشه‌ای از شهر خوفاً آبنباری ساخت.